

## پی آمدهای فرهنگی سلطه روسیه شوروی بر آذربایجان

دکتر اسماعیل جهان بین\*

سید بسم الله مهدوی\*\*

### چکیده

سلطه هر کشور و حکومتی بر سرزمینی دیگر از ابعاد مختلف برای کشور تصرف شده پیامد دارد. پی آمدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دینی و مذهبی و هم چنین پی آمد فرهنگی از مهمترین گونه‌های اثربخشی در این زمینه مطرح است. سلطه روسیه بر کشورهای استقلال یافته در طول سالیان تأثیرهای خاص خود را داشته است. زیرا دولت روسیه با یک فکر و اندیشه که مخالف توجه به مسایل دینی بود بر این کشورها و مردمان آن سخت‌گیری‌های فراوانی انجام داده است.

از این رو نوشتار پیش رو پس از بررسی پیشینه فرهنگی مردم آذربایجان، به توصیف چگونگی سلطه سیاسی شوروی بر این کشور پرداخته است. سپس پی آمدهای فرهنگی این سلطه را ارزیابی کرده و آن را در دو بخش منفی و مثبت نمایانده است. پی آمدهای منفی آن عمدتاً در بخش فرهنگ دینی بروز یافت و به حذف فیزیکی علما و نخبگان دینی، محو یا تغییر کار برد مراکز دینی، اختناق شدید مذهبی و مبارزه با آموزه‌های دینی، تغییر و تحول خط و زبان و ترویج اندیشه مارکسیستی انجامید. اما پی آمدهای

تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۶، تاریخ تصویب: ۹۰/۹/۲۷

\* عضو هیأت علمی دانشکده شهید محلاتی. naserkiadeh@yahoo.com

\*\* دانش‌پژوه کارشناسی ارشد تاریخ معاصر جهان اسلام، جامعه‌المصطفی‌العالمیه. Sbm\_1360@yahoo.com

مثبت آن در حوزه آموزش، پژوهش و توسعه نهادهای آموزشی - پژوهشی و راه اندازی رسانه‌های صوتی و تصویری تبلور یافت.

### واژگان کلیدی

پی‌آمدهای فرهنگی، آذربایجان، شوروی، مارکسیسم، آموزش، فرهنگ دینی، رسانه.

### مقدمه

مردم جمهوری آذربایجان از لحاظ فرهنگی تا سال ۱۹۲۰ که نظام کمونیستی به رهبری روسیه در آن کشور برپا گردید، از فرهنگ اسلام و ایران متأثر بودند و تفاوت چندانی با ایرانیان در این حوزه نداشتند. اما با حاکمیت مکتب کمونیسم (مبلغ تفکر الحادی) و اقدامات فرهنگی آنان، مردم این کشور از لحاظ فرهنگی دست‌خوش تغییر و تحول شدند. این نوشته تلاش دارد که این تحولات را که از پی‌آمدهای سلطه‌ی شوروی و تفکر مارکسیستی به حساب می‌آید، تبیین نماید. پژوهش حاضر به دنبال این پرسش اصلی شکل گرفته است که سلطه شوروی چه پی‌آمدهای فرهنگی را برای مردم آذربایجان به بار آورد؟ از این سؤال اصلی، دو پرسش فرعی شکل می‌گیرد که پی‌آمدهای منفی و پی‌آمدهای مثبت آن کدام بود؟

ضرورت و اهمیت این بحث نیز به ضرورت و اهمیت بحث از فرهنگ بر می‌گردد. در واقع حیات هر جامعه به حیات فرهنگی آن بستگی دارد و اصولاً مرگ برای جامعه تصور شدنی نیست، جز به محو فرهنگ و آثار فرهنگی آن جامعه. از سوی دیگر، بحث از تحولات فرهنگی هر جامعه و تغییرات مثبت و منفی آن، در شناخت روحیات آن جامعه و نوع باورها، ارزش‌ها و میزان استحکام آن در اوضاع کنونی، یاری می‌رساند تا با فهم درست‌تر و درک عمیق‌تر بتوان با آن جامعه تعامل برقرار کرد و اندیشه اصلاح و توسعه فرهنگی جامعه، بدون درک این تحولات و دلایل آن، موفقیتی به دست نمی‌آید؛ بنابراین بحث در مورد کشور آذربایجان که دارای مشترکات فرهنگی، دینی، تاریخی فراوانی با ایران است، سودمند خواهد بود. دوره زمانی این تحقیق از سال ۱۹۲۰ تا سال ۱۹۹۱ میلادی است که در حقیقت دوره تسلط شوروی را شامل می‌گردد. از سوی دیگر بر اساس بررسی نگارنده، این عنوان فاقد پیشینه پژوهش است، اما مطالب آن را در کتاب‌های مربوط به جمهوری آذربایجان، قفقاز جنوبی، کشورهای مشترک‌المنافع، مسلمانان اتحاد شوروی، می‌توان یافت.

## مفهوم‌شناسی فرهنگ

فرهنگ در علم لغت، به معنای «علم، ادب، معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت و نیز کتاب لغت»<sup>۱</sup> آمده است. در تعریف دیگری از علی‌اکبر دهخدا چنین می‌خوانیم:

فرهنگ در فارسی از «فر» و «هنگ» ترکیب یافته است. «فر» پیشوند است، به معنای جلو، پیش، بالا و «هنگ» از ریشه اوستایی است به معنای کشیدن؛ بنابراین فرهنگ یعنی «بالا کشیدن» و «اعتلا بخشیدن» و به معنی علم و دانش و ادب می‌باشد.<sup>۲</sup>

در اصطلاح، به «ویژگی زندگی انسان یا جنبه‌های جداکننده انسان از حیوان»<sup>۳</sup> فرهنگ گویند. بنابراین دانش، دین و مذهب، معرفت، ادب و... به عنوان نمادی از زندگی انسان، فرهنگ را تشکیل می‌دهند.

## موقعیت جغرافیایی آذربایجان

جمهوری آذربایجان در حوزه قفقاز (انتهای جنوب خاوری اروپا)، دامنه جنوبی کوه‌های قفقاز و ساحل غربی دریای خزر واقع است. این کشور از شمال به جمهوری فدراتیو روسیه، از شرق به دریای خزر، از جنوب به ایران و از غرب به ارمنستان و گرجستان محدود می‌گردد و ناحیه برونبومی نخجوان که دارای حکومت جمهوری خودمختار است، با مساحتی برابر ۵۵۰۰ کیلومتر مربع میان ایران و ارمنستان و ترکیه قرار دارد.<sup>۴</sup>

## آمار جمعیتی، اقوام و دین و مذهب در آذربایجان

بر اساس سرشماری سال ۲۰۰۰ میلادی، میزان نفوس و جمعیت در آذربایجان در حدود ۷/۷۰۰/۰۰۰ نفر بود که از این تعداد ۸۹٪ آذربایجانی، ۳٪ روسی ۲/۲٪ لزگی و ۲٪ را هم ارمنی تشکیل می‌دهند.<sup>۵</sup>

۱. حسن عمید، فرهنگ فارسی، ج ۲، حرف «ف».

۲. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۱، ص ۱۷۱۳۲، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوازدهم، حرف «ف»، ۱۳۷۷ ش.

۳. محمدرضا کاشفی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۲۴، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴ ش.

۴. عباس جعفری، گیتاشناسی نوین کشورها، ص ۶۵، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.

۵. همان، ص ۶۶.

از نظر نحله‌های فکری، آذربایجان پذیرای ادیان و مذاهب گوناگون از جمله: مسلمان (۹۳/۴٪)، مسیحی و... است. از جمع مسلمان‌ها ۶۵/۴٪ آنها را شیعه و بقیه را اهل سنت تشکیل می‌دهند. ارتدکس‌های روسی ۱/۱٪ و ارمنی‌ها نیز ۱/۱٪ از کل جمعیت آذربایجان را به خود اختصاص داده‌اند. بقیه یعنی ۴/۴٪ از جمعیت جمهوری آذربایجان، شامل پیروان سایر ادیان و مذاهب می‌شوند.<sup>۱</sup>

### پیشینه فرهنگی آذربایجان

با توجه به گسل‌های موجود در بحث پیشینه، این موضوع را در دو مقطع از تاریخ می‌توان بررسی و ارزیابی کرد.

#### ۱. از ورود اسلام تا سلطه تزارهای روس

جمهوری آذربایجان (اران) سابقه‌ای نسبتاً درخشان و طولانی در عرصه فرهنگ و تمدن دارد. گفته می‌شود که در اوایل قرن پنجم میلادی، فرهنگ بسیار پیشرفته‌ای در شمال این سرزمین وجود داشته و اولین مدارس نیز در همین دوران در آذربایجان به وجود آمده است.<sup>۲</sup>

با ورود اسلام به آذربایجان، این سرزمین وارد دوره جدیدی از حیات سیاسی و فرهنگی خویش گردید؛ دوره‌ای که با فتح اران توسط سلمان بن ربیع در قرن هفتم میلادی (دوران خلافت عثمان) آغاز شد. ورود در این دوره، نفوذ و توسعه فرهنگ و اندیشه دینی اسلام را به دنبال آورد. در این دوران، مساجد بنا شد و در آن مکاتبی به وجود آمد که قرآن و قواعد عربی را به مردم آموزش می‌دادند. بدین گونه فرهنگ و اندیشه اسلامی در آذربایجان گسترش یافت.<sup>۳</sup>

حاکمیت اندیشه اسلامی در این منطقه، تحول و دگرگونی عظیم فرهنگی را به بار آورد و زمینه‌ساز توسعه فکری - فرهنگی مردم آذربایجان گردید؛ به گونه‌ای که در قرن‌های یازده و دوازده میلادی، در بستر فرهنگی اسلام، فرهیختگان و اندیشه‌وران مشهوری در عرصه علم و ادب ظهور یافتند که بعضاً از شخصیت‌های شناخته شده

۱. همان.

۲. بهناز اسدی کیا، *جمهوری آذربایجان*، ص ۴۸، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵ ش.

۳. مرتضی اسعدی (آذربایجان شوروی)، *دائرة المعارف تشیع*، ج ۱، ص ۳۰، حاج صدرا حاج سیدجوادی و دیگران، تهران: شهید سعید محبی، ۱۳۷۵ ش.

جهانی به حساب می‌آیند؛ مشاهیری هم‌چون نظامی گنجوی، خاقانی، فضولی و... . هم‌چنین دانش‌مندان بزرگی مثل خطیب تبریزی، بهمن‌یار و... آثار مهمی را در فارسی و عربی خلق کردند.<sup>۱</sup>

در طول این دوران، مذهب رسمی در آذربایجان سنی بود و اکثریت مردم حنفی‌مذهب بودند تا در اوایل قرن شانزدهم میلادی، صفوی‌ها بر آن مسلط شدند و به تغییر مذهب و باورهای مردم اقدام نمودند. تغییر مذهب از تسنن به تشیع، یکی از پی‌آمدهای اساسی دوره صفوی‌ها به حساب می‌آید که شاه اسماعیل صفوی انجام داد. وی شیعه را مذهب رسمی این کشور اعلام نمود.<sup>۲</sup>

دستیابی مکتب شیعه به پشتوانه سیاسی، زمینه‌ساز توسعه آن در منطقه و از جمله در آذربایجان گردید، به‌خصوص این‌که مرکزیت سیاسی صفوی‌ها در تبریز، یعنی در میان آذری‌ها قرار داشت. بدین ترتیب فرهنگ دینی، این‌بار سیطره‌اش را در قالب خوانش شیعی، در این مرز و بوم گستراند. البته تبدیل شدن شیعه به اکثریت مطلق در آذربایجان، نه از دست‌آوردهای حکومت صفوی، بلکه از پی‌آمدهای سلطه تزارهای روس بر این منطقه به حساب می‌آید. در عصر تزارها، ارمنی‌ها و مسیحیان روس به دلیل جنگ‌های خونین دو امپراتوری تزاری و عثمانی، از قلمرو ترکان اخراج شدند و به روسیه پناه آوردند. در واکنش به این اقدام، روس‌ها نیز بر مسلمانان سنی‌مذهب سخت گرفته، آنها را به مهاجرت گسترده و دسته جمعی وادار نمودند. مهاجرت گسترده سنی‌ها، اکثریت مطلق شیعیان را در این سرزمین به‌دنبال آورد.<sup>۳</sup>

به‌رحال پس از سلطه صفوی‌ها تا عصر حاکمیت روس‌ها بر آذربایجان، مردم این منطقه از لحاظ فرهنگی کاملاً از فرهنگ و شیوه زندگی ایرانی - اسلامی متأثر بودند. اما قتل نادرشاه افشار در سال ۱۷۴۷ میلادی، تشنت و از هم پاشیدگی سیاسی را در امپراتوری وی به‌دنبال آورد. فرماندهان ارشد و قدرت‌مند نظامی، هرکدام در گوشه و کنار این امپراتوری، حکومت‌های مستقلی برای خود دست و پا کردند. در این میان، اوضاع سیاسی آذربایجان آشفته‌تر گردید؛ زیرا این سرزمین نسبتاً کوچک میان خان‌ها و امیران متعددی

۱. بهناز اسدی‌کیا، پیشین، ص ۳۸.

۲. الیاس واحدی، *برآورد استراتژیک آذربایجان*، ج ۱، ص ۳۱۲، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۲ ش.

۳. همان، ص ۳۱۲-۳۱۳.

تقسیم شد و هرکدام از آنها، حکومت مستقل از دیگری را بنیاد نهادند.<sup>۱</sup> بدین ترتیب، زمینه بلعیده شدن این ناحیه در کام تزارهای روسی فراهم آمد. روس‌ها در قدم اول تعدادی از این خان‌نشین‌ها را تا سال ۱۸۰۵ تحت حمایت خود درآوردند، اما پس از جنگ‌های ایران و روس و سرانجام معاهده گلستان در ۱۳ اکتبر ۱۸۱۳، برای همیشه دست ایرانیان را از این مناطق کوتاه ساختند و این نواحی را تحت حاکمیت خویش درآوردند.<sup>۲</sup>

## ۲. از سلطه تزارها تا سلطه شوروی (کمونیست‌ها)

تسلط روسیه بر آذربایجان در وضعیتی صورت گرفت که اروپا تحولات عظیم و خطیری را پشت سر نهاده و در اوج رشد فرهنگی و تمدنی قرار داشت. این امر به دو جهت آذربایجان را به شدت متأثر می‌ساخت:

الف) به دلیل نزدیکی جغرافیایی آذربایجان با کشورهای اروپایی و به‌خصوص روسیه: طبعاً هر کشوری که به منبع یک تحول عظیم و تأثیرگذار نزدیک و هم‌مرز باشد، تأثیرپذیری بیشتری از آن تحول خواهد داشت.

ب) مستعمره بودن آذربایجان توسط روس‌ها: در این دوران نه تنها آذربایجان با اروپا تلاقی مرزی داشت، بلکه در قلمرو سیاسی، یکی از کشورهای اروپایی بود. براین اساس، در دوران حاکمیت روسیه تزاری، جریان‌های فکری غرب، انجمن‌ها و انتشار روزنامه‌ها و مجلات گوناگون با اهداف، اندیشه‌ها و مرام‌های متنوعی را شاهد هستیم که برای جذب افراد و ارتقا و توسعه تفکر اجتماعی فعالیت می‌کردند.

نشریات ادواری در آذربایجان نخستین بار در دهه ۱۸۳۰، چاپ شد.<sup>۳</sup> هم‌چنین در سال ۱۸۳۲، روزنامه نیمه‌رسمی *اخبار تفلیس* منتشر گردید. در سال‌های ۱۸۷۵-۱۸۷۷، حسن ملک‌زاده زردابی روزنامه *اکیچی* را منتشر کرد که سرآغاز چاپ مطبوعات دموکراتیک در آذربایجان به حساب می‌آید. در پایان قرن نوزدهم روزنامه *خچکیول* و در سال‌های ۱۹۰۳-۱۹۰۵ روزنامه *شارگی-روسی* به زبان آذری منتشر شد.<sup>۴</sup>

۱. اسعدی، پیشین، ص ۳۰.

۲. همان، ص ۳۱.

۳. اسعدی کیا، پیشین، ص ۴۹.

۴. همان.

در همین دوران، تفکر بورژوازی، لیبرالی و کمونیستی نیز در آذربایجان نفوذ کرده، هر کدام نشریاتی را به وجود آوردند.

در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم، نشریاتی با تمایلات بورژوا یا لیبرال در باکو چاپ شدند؛ از جمله روزنامه‌های *کاسپی* (۱۹۸۱-۱۸۱۹م)، *باکو* (۱۹۰۲-۱۹۱۸م)، *حیات* (۱۹۰۵-۱۹۰۶م) و *نژاد* (۱۹۰۵-۱۹۰۸م).<sup>۱</sup> نشریاتی که مبلغ تفکر الحادی و مارکسیستی بودند و در آذربایجان به نشر می‌رسید، روزنامه *گرچی زبان / استقلال* (۱۹۰۱-۱۹۰۲م)، روزنامه *Iskra* و یک سری نشریات دیگر. در مجموع از سال ۱۹۰۵ تا ۱۹۲۰، بیش از چهارصد روزنامه و مجله در آذربایجان منتشر شد<sup>۲</sup> که این حجم از رسانه مکتوب برای کشور آذربایجان، آن هم در آن تاریخ کاملاً مطلوب است.

از سوی دیگر، قرن نوزدهم دوره مستعمره شدن جهان اسلام و آشکارشدن عقب‌ماندگی جوامع اسلامی و در برابر آن ترقی و توسعه همه‌جانبه غرب بود. براین اساس، مصلحان و بیدارگرانی سر بر افراشتند و برای جبران عقب‌ماندگی و پیشرفت مسلمانان، اصلاحاتی از جمله در حوزه آموزش و پرورش برقرار کردند. جمهوری آذربایجان بر اساس موقعیت جغرافیایی و رفتاری در چنگال استعمار، از جمله مناطقی است که پیش‌گام در عرصه اصلاح‌طلبی و تجددگرایی به حساب می‌آید.

در طول نیمه دوم قرن نوزده، اصلاح‌طلبان آموزشی و نویسندگان، می‌خواستند با جذب بهترین دست‌آوردهای اروپایی، فرهنگ ترکی - آذری را گسترش دهند و فرهنگ خاصی از آن خود و منطبق با دنیای جدید پدید آورند.<sup>۳</sup>

از جمله مسائل دیگری که مورد توجه تجددگرایان اصلاح طلب قرار گرفت ولی به سرانجام نرسید، بحث تغییر حروف الفبا به لاتین بود. هم‌چنین در این دوره، آخوندزاده اساس ادبیات مدرن آذربایجان را به‌وجود آورد و انجمن‌های ادبی در تعدادی از شهرها تشکیل شد و به ترویج انواع جدید ادبی پرداخت. مدارس برای تعلیم آموزش‌های جدید نیز تأسیس شدند.<sup>۴</sup>

جریان دیگری که در عصر حاکمیت تزارها به وجود آمد و بر حوزه فرهنگی آذربایجان

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان، ص ۳۹.

۴. همان.





اما نکته مهم و درخور توجه در عصر تزارها، این است که تزارهای روس همچون اخلاف کمونیستی‌شان، تلاش‌های زیادی در جهت روسی کردن فرهنگ و رفتارهای مردم مسلمان آذری انجام دادند و در این مسیر مدارس و آموزشگاه‌های فراوانی را تأسیس نمودند. تزارها برای قطع روابط مسلمانان این ناحیه با حوزه‌های دینی ایران، عراق و با مراجع تقلید و نیز به منظور کنترل مسائل دینی آنان، ادره روحانیان را به وجود آوردند و به تربیت طلاب وابسته اقدام نمودند.<sup>۱</sup> با وجود این، تغییرات فرهنگی و موانع عملی در مسیر ارتباط مردم با عالم خارج به‌وجود نیامد. مانعی بر سر راه مراودات گوناگون با مردم ایران و سایر مناطق اسلامی نبود و تغییرات محسوسی در وضعیت فرهنگ دینی مردم ایجاد نشد. در این دوره، طلاب آن سوی ارس برای کسب علوم اسلامی به حوزه‌های علمیه ایران و عراق سفر می‌کردند و کاروان‌هایی از مسلمانان برای زیارت، راهی شهرهای مذهبی ایران، عراق و حجاز می‌شدند.<sup>۲</sup>

از سوی دیگر، در اواخر دوره تزارها، برخی روشن‌فکران مسلمان و سکولار از بعضی از مراسم‌های مذهبی شیعیان مانند مراسم عاشورا و برخی سنت‌های قدیمی دیگر انتقاد و به آنها اعتراض می‌کردند که با واکنش علمای آذری مواجه می‌شد و بدون مشکلات خاصی، پاسخ‌های لازم داده می‌شد.<sup>۳</sup>

در مجموع جمهوری آذربایجان در عصر حاکمیت تزارهای روس و حکومت دوساله و مستقل مساواتیان، تحولات عظیم فرهنگی و ظهور جریان‌های فکری مختلف را شاهد بود و گام‌هایی را در مسیر اصلاح نظام آموزشی، تأسیس مدارس، چاپخانه، دانشگاه، انجمن‌های ادبی، نشریات متنوع و... برداشت. هم‌چنین فعالیت‌ها در حوزه‌های دینی و غیردینی، نسبتاً آزاد بود و اسلام‌گرایان در کنار ناسیونالیست‌ها و دیگر جریان‌های فکری و فرهنگی، بر حفظ ارزش‌ها، باورها و فرهنگ دینی‌شان اصرار می‌ورزیدند و مشغول فعالیت بودند.

### سلطه سیاسی شوروی بر آذربایجان

در عصر حاکمیت تزارها بر آذربایجان، متأثر از جریان‌ها و تحولات فکری غرب،

۱. ولی جباری، شیعیان جمهوری آذربایجان، ص ۲۸-۲۹، قم: انتشارات شیعه‌شناسی، ۱۳۸۹ ش.

۲. همان، ص ۲۹.

۳. همان.

نحله‌های فکری مختلفی در این کشور ظهور یافتند و به بسط اندیشه‌ها و افکارشان پرداختند. ناسیونالیسم یکی از این جریان‌ها بود که در قالب حزب مساوات، توانست پس از جنگ جهانی اول، قدرت و نظام سیاسی را در اختیار گرفته، حکومت مستقل ملی تشکیل دهد.

حکومت مساواتیان که در سال ۱۹۱۸ آغاز شده بود، در سال ۱۹۲۰ توسط کمونیست‌ها به چالش کشیده شد و کنترل اضاع را از دست داد. با دخالت ارتش سرخ در ۲۷ آوریل ۱۹۲۰ مساواتیان سقوط نمودند و حکومت به مقامات کمونیستی واگذار گردید.<sup>۱</sup> کمونیست‌ها با تشکیل «کمیته موقت انقلاب آذربایجان» در ساعت ۲ بعد از نیمه‌شب ۲۸ آوریل ۱۹۲۰ به ریاست نریمان نریمانف، نام کشور را «جمهوری مستقل شوروی سوسیالیستی آذربایجان» نهادند.<sup>۲</sup> هم‌زمان با تشکیل این کمیته، «شورای کمیسرهای خلق جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان» نیز تأسیس شد که نریمان نریمانف، ریاست کمیسرها و کمیساریای امور خارجه را به عهده گرفت. این کمیته ضمن اعلام هم‌بستگی با روسیه شوروی، از لنین خواست که برای مبارزه با هجوم نیروهای خارجی و دشمنان داخلی، به آذربایجان نیرو اعزام کند. لذا در ۲۹ آوریل، نیروهای شوروی وارد باکو شدند و لنین پیروزی دولت شوراهای را اعلام نمود. در هیجده مه همین سال، ناوگان جنگی روسیه شوروی به بندر انزلی حمله کرد و پایگاه نظامی گارد سفید را درهم شکست.<sup>۳</sup> بدین ترتیب، عناصر داخلی آذربایجان توانستند زمینه‌های سلطه سیاسی روسیه شوروی را بر این کشور فراهم کنند و بر حکومت مستقل و دوساله مساواتیان پایان بخشند. حکومت جدید آذربایجان به قلع و قمع مخالفان خود همت گمارد و به‌خصوص بسیاری از سران حزب مساوات را اعدام، زندانی و یا تبعید نمود. عده‌ای دیگر نیز به خارج از کشور فرار کردند و به ترکیه پناه آوردند.<sup>۴</sup> جمهوری مستقل شوروی سوسیالیستی آذربایجان در دسامبر ۱۹۲۲، عضو فدراتیو شوروی ماوراء قفقاز شد و در سال ۱۹۳۶ رسماً به اتحاد جماهیر شوروی ملحق گردید.<sup>۵</sup>

۱. اسدی‌کیا، پیشین، ص ۱۰۳.

۲. عنایت، پیشین، ص ۲۴۳.

۳. همان.

۴. واحدی، پیشین، ص ۱۸۸.

۵. اسدی‌کیا، پیشین، ص ۱۰۳.

اما واقعیت این است که آذربایجان از همان آغاز پیروزی طرفداران مسکو و ورود ارتش سرخ به این کشور، زیر سلطه سیاسی روسیه شوروی قرار گرفت و بلشویک‌ها بر خلاف آنچه قبلاً اعلام نموده و شعار می‌دادند، برای ملیت‌های غیرروسی حق تعیین سر نوشت قائل نبودند.

بلشویک‌ها در دوران نظام تزاری بر «حق ملیت‌ها برای تعیین سرنوشت خویش» تأکید زیادی می‌نمودند و پس از پیروزی نیز طی بیانیه‌ای به مردم غیرروسی، اجازه تشکیل دولت و جمهوری مستقل داده شد؛ اما در عمل، به ملیت‌ها اجازه جدا شدن از امپراتوری روسیه و اینک شوروی داده نشد و از طریق به‌کارگیری ارتش سرخ، حاکمیت خود را در نواحی پیرامون روسیه برقرار نمودند.<sup>۱</sup>

در جای دیگر در این مورد آمده است:

لنین پیش از کسب قدرت، وعده‌های دل‌انگیز فراوان داد. از جمله اعطای خودمختاری به جمهوری‌های غیر روسی. تمام این وعده‌ها تنها در مقام حرف باقی ماند. هرچند در سال ۱۹۳۰ اوکراین، بلاروس، ارمنستان، آذربایجان و گرجستان «جمهوری‌های سوسیالیستی شوروی» خوانده شدند، آنها جمهوری مستقلی نبودند که خود امورشان را اداره کنند. در واقع به همان میزان که حکومت مرکزی... نیرومندتر می‌شد، این دولت‌های درجه دوم استقلال خود را از دست می‌دادند.<sup>۲</sup>

بنابراین، آذربایجان پس از یک دوران بسیار کوتاه، بار دیگر زیر سلطه‌ای سیاسی روسیه، اما نه تزاری، بلکه شوروی قرار گرفت و در مسیر اهداف سیاسی، فرهنگی و... آن گام برداشت.

### پی‌آمدهای فرهنگی سلطه روسیه شوروی بر آذربایجان

سلطه شوروی بر آذربایجان، تغییر و تحولات مهمی را در عرصه فرهنگی به دنبال آورد؛ زیرا حکومت و نظامی که بر مبنای الحادی و ضد دینی شکل گرفته باشد، نمی‌تواند فرهنگی را برتابد که بر محوریت مذهب و دیانت استوار است. علاوه بر این، هر نظام سیاسی، بر نظام فرهنگی خاصی استوار است و تلاش دارد که با برداشتن موانع توسعه و تکامل، آن نظام فرهنگی را بسط و نشر داده، به بالندگی برساند. طبیعی است که تلاش‌ها

۱. الهه کولایی، سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه ص ۱۷، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶ ش.

۲. جان آرما تیوز، ظهور و سقوط شوروی، ص ۳۶، فرید جواهر کلام، تهران: ققنوس، ۱۳۸۳ ش.

برای توسعه چنین فرهنگی، به معنای حذف و یا تضعیف فرهنگ رقیب بوده، عرصه را بر آن تنگ خواهد کرد، به خصوص اگر فرهنگ رقیب در تعارض کامل با فرهنگ حاکم باشد؛ تعارضی که در فرهنگ دینی و الحادی کاملاً مشهود است.

به‌رحال سلطه روسیه شوروی بر آذربایجان، پی‌آمدهای منفی و مثبت زیادی را در بخش فرهنگی به‌بار آورد. آثار منفی آن به حوزه‌ای تعلق داشت که به فرهنگ دینی و دین‌داری مردم مربوط می‌شد. آثار مثبت آن، بخش آموزش و رسانه‌ها را زیر پوشش داشت، هرچند شوروی در آن نیز اهداف مکتبی خود را می‌جست.

### پی‌آمدهای منفی سلطه شوروی

سیاست فرهنگی روسیه شوروی که به کنار زدن فرهنگ بومی و تثبیت فرهنگ و اندیشه کمونیستی تعلق گرفته بود، حذف دین و آثار دینی را از جامعه آذربایجان نشانه رفت. لذا تحقیر دین و دین‌داران شروع شد و به مدت هفتاد سال، دین و مذهب از صحنه اجتماعی آذربایجان کنار رفت. اجرای سیاست دین‌زدایی از عرصه جامعه از طریق راه‌کارها و خط‌مشی‌های ذیل دنبال گردید:

#### ۱. حذف علما و نخبگان دینی

دوام و برپایی هر دینی، منوط به تبلیغ و پاسداری از باورها و آموزه‌های آن دین است. اگر چنین مهمی صورت نگیرد، ارزش‌های آن دچار انحراف و التقاط شده، به تدریج محو و یا وارونه می‌شود. عالمان دینی و دانشمندان دین باور، پاسداران راستین و مبلغان همیشگی دین بوده و همواره از حریم فکری و ارزشی آن در برابر هر نوع حمله‌ای به دفاع برخاسته‌اند. براین اساس، طبیعی بود که سیاست‌های ضد دینی کمونیست‌ها، دامن علما و نخبگان دینی را گرفته، به حذف آنها از صحنه اجتماعی و تأثیرگذاری بینجامد.

فشار بر علما و نخبگان دینی از همان آغاز روی کار آمدن حکومت کمونیستی اعمال گردید، اما اوج آن در دوران حکومت مستبدانه و مصیبت‌بار استالین مشهود است. در دوران حاکمیت سی ساله استالین، از اهالی آذربایجان حدود هفتاد هزار عالم دینی، دانشمند، نویسنده، شاعر، هنرمند، پزشک، مهندس و متفکر اعدام یا ناپدید شدند.<sup>۱</sup> در این

۱. عبدالحسین شهیدی ارسباران، *خاطرات حاج علی‌اکرام علی‌اف*، ص ۴۹، تهران: مرکز استاد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵ ش.

دوران، هر دانشمندی که روحیه مجاهدت و مبارزه‌گری داشت و از بیان حقایق دینی که حاکمیت کمونیست‌ها را به چالش می‌کشید پروایی نداشت، شناسایی شده، توسط شبکه یا سازمان آدم‌کشی استالین به شهادت می‌رسید. در کشتارهای دسته‌جمعی بسیاری از علما به شهادت رسیدند.

مطابق اسناد فاش شده از سوی سازمان امنیت شوروی سابق، که پس از فروپاشی شوروی اعلام گردید، بیش از هشتصد نفر از عالمان و فضلاء دینی که از حوزه‌های نجف اشرف، کربلا، تهران، مشهد و اردبیل فارغ‌التحصیل شده و در شهرهای جمهوری آذربایجان کنونی به تبلیغ و ارشاد دینی مشغول بودند، در اندک زمانی دستگیر شدند و از بین رفتند. از این تعداد هفده روحانی مجتهد بودند.<sup>۱</sup>

یکی از این علما و فرهیختگان آیت‌الله شیخ غنی بادکوبه‌ای بود که در حوزه علمیه نجف تحصیل نموده و به مقام اجتهاد نایل شده بود. وی مرجع تقلید بادکوبه (باکو) به‌شمار می‌آمد و در زمان حکومت کمونیست‌ها، به تبلیغ و ترویج ارزش‌های اسلامی پرداخته، اندیشه‌های ماتریالیستی را به نقد می‌کشید. حضور مؤثر و روشنی بخش این عالم بزرگوار که به کانون مبارزه ضد کمونیستی در جامعه آذربایجان تبدیل گردید، از سوی نظام حاکم قابل تحمل نبود، لذا میرجعفر باقراف، یکی از دوستان صمیمی استالین و حاکم آذربایجان، در یکی از شب‌های سال ۱۹۳۷، وی را به شهادت رسانیده، جسدش را به دریا انداخت.<sup>۲</sup> هم‌چنین شیخ غنی، شیخ حسین بادکوبه‌ای، شیخ باقر، شیخ حسن و شیخ رسول ناردانی نیز در همین سال توسط رژیم کمونیستی استالین به شهادت رسیدند و بدن‌هایشان هم‌چون پیکر شیخ غنی به دریای خزر انداخته شد.<sup>۳</sup> هم‌چنین آیت‌الله شیخ قدرت‌الله ابراهیمی، نماینده مرجع تقلید آن زمان یعنی آیت‌الله اصفهانی، سیدمحمد و شیخ حنیفه بادکوبه‌ای، شیخ کامیاب و شیخ حسن رمانایی، آخوند حاج روح‌الله محمدزاده، آخوند حبیب‌الله علیزاده، شیخ عبدالغفار اردوبادی، میرفاضل، میراشرف، ملاعبدالله و ده‌ها عالم دینی دیگر با پسوندهای ایروانی، لنکرانی، نخجوانی و...، از جمله کسانی بودند که رژیم کمونیستی آنان را به شهادت رساند و به دریای خزر انداخت.<sup>۴</sup>

۱. ولی جباری، پیشین، ص ۳۰۴.

۲. عبدالحسین شهیدی ارسباران، پیشین، ص ۴۵ و ۴۷.

۳. همان، ص ۴۸.

۴. جباری، پیشین، ص ۳۰۴.

یکی از ناخدایان لنج‌های دریای خزر پس از استقلال آذربایجان، اظهار داشت که وی شاهد بوده که چگونه سیصد تن از روحانیان که دست‌ها و پاهایشان بسته بوده، توسط مأموران امنیتی در دریای خزر غرق گردیدند. این عالمان شهید، کسانی بودند که تسلیم حاکمیت نظام کمونیستی نشدند و با تبلیغ اندیشه‌های توحیدی، سدی در برابر گسترش فرهنگ الحادی شدند، لذا به مقام بلند شهادت نایل شدند.

شیوه دیگر حذف نخبگان دینی از عرصه اجتماعی، تبعید آنها به مناطق سرد سبیری و واداشتن آنها به کارهای اجباری بود. بدین طریق نیز دین‌داران آذری را از آگاهان و مبلغان دینی محروم ساختند و باورهای دینی را در هاله‌ای از ابهام قرار دادند. شیخ جعفر رمزی، ادیب و دانشمندی بود که طعم تلخ تبعید و کار اجباری در اردوگاه‌های سرد سبیری را چشید و پس از سی سال دوری از وطن، به آذربایجان بازگشت.<sup>۱</sup>

اتخاذ این سیاست از سوی حکومت کمونیستی، عده‌ای از علما را مجبور ساخت که در قالب‌های دیگری به فعالیت پردازند و در عرصه اجتماع ظاهر شوند. شیخ آقا حسین یکی از این افراد است که در حوزه‌های تهران و نجف تحصیل نمود و در سال ۱۹۳۰ که کار تبلیغ دینی با سختی مواجه شد، به عنوان معلم تاریخ ظاهر گردید و کتاب‌های دینی‌اش را مخفی نگه‌داشت.<sup>۲</sup> وی عده‌ای را که تا سال ۱۹۵۰ زنده مانده بودند، بر آن داشت که گوشه‌نشینی گزینند و در بی‌نشانی به سر برند. هم‌چنین بسیاری از نخبگان و اساتید دانشگاه را بر آن داشت که بر خلاف باور قلبی‌شان، به کمونیستی بودن تظاهر کنند.<sup>۳</sup>

## ۲. محو یا تغییر کاربری مراکز دینی

پی‌آمد منفی دیگری که سلطه روسیه شوروی بر فرهنگ دینی مردم آذربایجان گذاشت، محو مراکز دینی - مذهبی و یا تغییر کار بری آنها بود؛ مراکزی که بیان‌گر هویت تاریخی، گذشته فرهنگی و مروج اندیشه خدا باوری بودند و پاسدار فرهنگ دینی مردم محسوب می‌شدند. این مراکز که در تعارض با اهداف و آرمان‌های نظام کمونیستی قرار داشتند، دچار تعطیلی و تغییر کاربری گردیدند؛ این در حالی که پیش از سلطه نظام شوروی، هزاران مسجد و مراکز آموزشی دینی در جمهوری‌های مسلمان اتحاد شوروی

۱. شهیدی ارسباران، پیشین، ص ۵۰.

۲. جباری، پیشین، ص ۳۱۸.

۳. شهیدی ارسباران، پیشین، ص ۵۵.

فعال بودند و خدمات فرهنگی - دینی عرضه می‌کردند.

هنگام انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ بالغ بر ۲۶ هزار مسجد و ۴۵ هزار روحانی، در روسیه و پیرامون آن فعال بودند.<sup>۱</sup> سهم آذربایجان از این تعداد مساجد در حدود دو هزار مسجد بود که فعالیت می‌کردند. اما در سال ۱۹۹۰، رقم مساجد در اتحاد جماهیر شوروی به ۴۱۵ مسجد رسید و در آذربایجان در سال ۱۹۸۰ به هیجده مسجد تقلیل یافته بود که هفت مسجد در باکو به عنوان مرکز رهبری مسلمانان قفقاز و یازده مسجد در سایر مناطق آذربایجان قرار داشتند. اوج سیاست‌های فرهنگ‌زدایی از این دست نیز در زمان استالین صورت گرفت. اکثر مساجد در این دوره، یعنی در سال ۱۹۳۰ یا تعطیل شدند و یا کاربری آنها تغییر کرد؛ که از جمله مسجد جمعه در باکو. این مسجد در دوره حکومت شوروی به موزه فرش تبدیل شد.<sup>۲</sup> هم‌چنین «مساجد ناردان در زمان کمونیست‌ها به موزه اسکلت‌های تاریخی و انبار تجهیزات کشاورزی تبدیل شده بود».<sup>۳</sup>

علاوه بر مساجد، حوزه‌های علمیه و زیارتگاه‌ها نیز آسیب جدی دیدند و به سرنوشت مساجد دچار شدند. کمونیست‌ها در سال ۱۹۲۸، تمام مدارس دینی را تعطیل نمودند و تا سال ۱۹۳۰ کل موقوفات را مصادره کردند. هم‌چنین مقبره بانو رحیمه، خواهر امام رضا علیه السلام را با خاک یک‌سان نمودند.<sup>۴</sup> آنها زیارتگاه بی بی هیبت (حکیمه خاتون)، خواهر امام رضا علیه السلام را نیز در سال ۱۹۳۷ ویران ساختند.<sup>۵</sup>

این سیاست تا زمان جنگ جهانی دوم به شدت دنبال می‌شد. اما با شروع این جنگ و نیاز روسیه به شرکت مسلمانان در نبرد با آلمان، تا حدودی از شدت آن کاسته شد. در این زمان، برخی از مساجد تعطیل شده بازگشایی گردیدند و با حمایت روسیه، دفتر روحانیت ماوراء قفقاز برای پی‌گیری امور مذهبی مسلمانان تشکیل گردید.<sup>۶</sup> و در کل، در اتحاد جماهیر شوروی، دو مدرسه مذهبی یکی در بخارا، دیگری در تاشکند راه‌اندازی شدند.<sup>۷</sup> اما این تغییرات، تاکتیکی بیش نبود و آزادی واقعی هیچ‌گاه به مسلمانان اتحادیه

۱. کولایی، پیشین، ص ۲۱۹.

۲. واحدی، پیشین، ص ۳۱۳، ۹۱ و ۳۱۴.

۳. جباری، پیشین، ص ۲۷۶.

۴. محمدحسن آصف، *شیعیان جمهوری آذربایجان*، ص ۴۵ و ۴۹، تهران: اداره کل اطلاع رسانی مجمع جهانی اهلبیت، ۱۳۸۰ ش.

۵. جباری، پیشین، ص ۲۷۶.

۶. واحدی، پیشین، ص ۳۱۳.

۷. شیرین آکینر، *اقوام مسلمان اتحاد شوروی*، علی خزاعی ص ۵۲، مشهد: آستان قدس، ۱۳۶۶ ش.

داده نشد.

فشارها و تنگناهایی را که کمونیست‌ها بر فرهنگ و مراکز فرهنگی مردم آذربایجان تحمیل کردند، آموزش‌های مذهبی را در آذربایجان تضعیف نساخت و تا حدودی بر شئونات و شعائر اسلامی اثر گذاشت، اما آنان را به اهداف اصلی‌شان که محو کامل دین از عرصه اجتماع بود نایل نکرد. دین‌داران آذری که درب مساجد و حسینیه‌ها را به روی خود مسدود می‌دیدند، به فعالیت‌های زیر زمینی روی آورده، مراسم مذهبی و فرایض دینی‌شان را در منازل شخصی انجام می‌دادند و بدین نحو، ارزش‌های اسلامی را پاس می‌داشتند. آنان حتی در برخی محله‌ها به آموزش محدود دینی کودکان اقدام کردند.<sup>۱</sup>

### ۳. اختناق شدید مذهبی و مبارزه با آموزه‌های دینی

«طبق ماده ۵۲ قانون اساسی، اتباع اتحاد جماهیر شوروی از آزادی انتخاب برخوردارند؛ به عبارت دیگر، در اعتقاد به هر مذهب یا هیچ مذهب و هم‌چنین در عبادت مذهبی یا تبلیغ بی دینی آزادند...»<sup>۲</sup> اما آن‌چه در واقعیت اجتماعی بروز می‌یافت، کاملاً بر خلاف این امر بود. کمونیست‌ها مبارزه‌های سختی را علیه مذهب به راه انداختند و مسلمانان معتقد را زیر فشار شدیدی قرار دادند. در این جهت، علاوه بر حذف نخبگان دینی و تغییر کاربری اماکن مذهبی، در اختیار داشتن آثار مکتوب دینی و نیز خرید و فروش و ترویج آنها جرم بود و با متخلفان به شدت برخورد می‌شد.

بر این اساس، مردم آذربایجان قرآن و کتب ادعیه را به صورت مخفیانه در منزل‌هایشان نگهداری و به صورت قاچاق وارد می‌کردند. حجاب، چند همسری و زیارت حج نیز ممنوع بود. گرفتن روزه، پرداختن زکات و ادای نذورات برای مساجد، باعث مشکلات و گرفتاری می‌شد. هر دادگاهی که بر اساس احکام قرآنی و شریعت اسلامی حکم می‌کرد، تعطیل شد. چاپ قرآن متوقف گردید و در تعلیم طلاب وقفه پیش آمد. آموزش اصول دین به جوانان زیر هیجده سال نیز ممنوع شد و طبق ماده ۱۲۸ قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی، آموزش‌های مذهبی در مدارس ممنوع گردید. به شعور و شخصیت مسلمانان اهانت شد و دین‌داران، به جمود و عقب‌ماندگی متهم می‌شدند.<sup>۳</sup>

۱. جباری، پیشین، ص ۲۴۱، ۲۴۳ و ۲۸۴.

۲. همان، ص ۴۶.

۳. شهیدی ارسباران، پیشین، ص ۲۰ و ۶۲.



با توجه به این اوضاع، مردم آذربایجان عزاداری برای امام حسین علیه السلام را شبانه و به صورت مخفیانه انجام می‌دادند و برای گذران زندگی و ایمن ماندن از بیداد کمونیست‌ها، تظاهر به کمونیسم می‌کردند.<sup>۱</sup> بسیاری از زنان با عفافی که نمی‌خواستند حجابشان را از دست بدهند، سال‌های متمادی خانه‌نشین شدند و رنج دوری از محیط خارج را تحمل نمودند.<sup>۲</sup> علاوه بر این، ارتباط مسلمانان اتحاد شوروی با هم‌کیشان آنها در خارج از این اتحادیه مسدود شد و «از سال ۱۹۲۰ میلادی، زیارت حج و سفر شیعیان جمهوری آذربایجان به اماکن متبرکه ایران و عراق قطع گردید».<sup>۳</sup>

در نتیجه مسلمانان شوروی، هم بسترهای رشد داخلی را از دست دادند و هم از تحولات فکری - فرهنگی مسلمانان خارج از این اتحادیه، بی‌بهره ماندند. بر این اساس، امروزه مسلمانان این سرزمین آشنایی چندانی با فرایض دینی ندارند و رعایت برخی شعائر دینی را جدی نمی‌گیرند. در واقع ریشه رفتارهای دینی امروز مردم این سرزمین را در اوضاع فرهنگی دیروز آنها باید جست که کمونیست‌ها بر آنها تحمیل کردند؛ هرچند با نزدیک شدن به دوران آخر امپراتوری سوسیالیست‌ها؛ یعنی در زمان رهبری برژنف و گورباچف، به تعداد محدودی از مسلمانان آذربایجان اجازه داده شد که با رهبران مسلمان، در خارج از اتحادیه دیدار کنند.<sup>۴</sup>

کمونیست‌های شوروی که وضعیت موجود را با دوام نمی‌دانستند و از پتانسیل‌های موجود در اسلام برای قیام و انقلاب، آگاه و در هراس بودند، پس از جنگ جهانی دوم، شیوه جدیدی را برای کنترل مسلمانان در پیش گرفتند.

[پس از جنگ جهانی دوم] اداره امور مسلمانان تحت کنترل و هدایت چهار اداره قرار گرفت: اداره مسلمانان اروپا و سیبری به مرکزیت اوفال (در باشقیرستان)، اداره مسلمانان آسیای مرکزی و قزاقستان به مرکزیت تاشکند (در ازبکستان)، اداره مسلمانان شمال قفقاز و داغستان به مرکزیت ماخاچ قلعه (در داغستان) و اداره مسلمانان قفقاز به مرکزیت باکو (در آذربایجان) تشکیل شد.<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۵۸.

۲. جباری، پیشین، ص ۲۴۱.

۳. عنایت، پیشین، ص ۲۴۲.

۴. واحدی، پیشین، ص ۳۱۳.

۵. کولایی، پیشین، ص ۲۱۸.

تشکیل این نهادها، بر این اساس بود که کمونیست‌های شوروی، اختناق مطلق را ناپایدار پنداشته، برای جلوگیری از به‌وجود آمدن نهادهای مستقل که حاکمیت آنها را به چالش می‌کشید، به چنین اقدامی دست زدند تا از این طریق، هم از شدت عصبانیت‌ها بکاهند و هم کنترل بیشتری بر رفتار دینی و مذهبی مسلمانان داشته باشند. ابتدا نهادهای مذکور، رفتارها و فعالیت‌های مسلمانان و مراکز دینی آنان را زیر نظر داشتند و مساجد و مدارس دینی زیر نظر آنها اداره می‌شد. روحانیانی هم که در این مراکز و نهادهای مشغول بودند، اجازه فعالیت در عرصه اجتماعی و اقتصادی را نداشتند و قادر به صدور احکام شرعی نبودند.

علاوه بر این، نهادهای مذکور هیچ‌گونه موقوفه و منبع اقتصادی در اختیار نداشتند و فاقد پشتوانه مستقل مالی بودند.<sup>۱</sup> در کل، یک‌سری نهادهایی بودند فاقد روح اسلامی، کاملاً وابسته به نظام کمونیستی و بیشتر برای کنترل اوضاع مسلمانان.

#### ۴. تغییر خط و زبان

سیاست تغییر خط و الفبا و ترویج زبان روسی، از مهم‌ترین و مؤثرترین سیاست‌های کمونیست‌های شوروی در جهت بیگانگی فرهنگی و زدودن هویت اسلامی از جامعه آذربایجان بود. دو ابزاری که کانال اصلی ارتباط با تاریخ و سرگذشت هر جامعه به حساب می‌آید و چگونگی شکل‌گیری هویت جامعه به کمک آنها فهمیده می‌شود.

تغییر خط، آثار سوء فراوانی بر فرهنگ ملی هر جامعه می‌تواند داشته باشد؛ زیرا ارتباط بدنه اصلی جامعه را با متون تاریخی و کهن قطع نموده، و آنان را با آثار فراوانی که در طول تاریخ در مورد فرهنگ و تمدن و... به آن خط نوشته شده، بیگانه می‌کند. در نتیجه، زمینه و شرایط برای تغییر نظام فرهنگی فراهم می‌گردد و در درازمدت، بیگانگی از هویت تاریخی را رقم می‌زند.

آثار منفی تغییر خط در آذربایجان، از آن حیث زیان‌بارتر می‌نمود که این سیاست، فرهنگ و آموزه‌های دینی را نیز با مشکل مواجه می‌ساخت؛ زیرا خط مورد استفاده آذری‌های آن‌روز، خط عربی بود که با فراگیری آن، می‌توانستند با متون دینی از جمله با قرآن نیز ارتباط برقرار کنند. علاوه بر این، از آثار ترکی منتشره با این خط نیز بهره‌برند؛ آثاری که در بلاد خارج از آذربایجان به چاپ می‌رسید.

۱. عنایت، پیشین، ص ۲۴۲.

بر این اساس، سیاست ضد دینی کمونیست‌های شوروی، دامن خط عربی را نیز گرفت و آن را پس از تحولات و دگرگونی‌هایی، به خط کریل و الفبای روسی تبدیل نمود. هر چند بحث تغییر خط عربی به لاتین در قرن نوزدهم نیز مطرح شد، تا سال ۱۹۲۴، عملاً هیچ‌گونه دگرگونی در آن صورت نگرفت. تنها در این سال بود که بر اثر فشار دولت روسیه شوروی، خط عربی به خط لاتین (roman) تبدیل گردید.<sup>۱</sup>

بی‌شک تغییر خط عربی به لاتین، اقدامی مقدماتی بود و در درازمدت، نمی‌توانست رضایت رهبران شوروی را جلب کند؛ زیرا ترک‌های ترکیه نیز خط لاتین را برگزیده بودند و این می‌توانست زمینه‌ساز آشنایی و ارتباط مردم آذربایجان با تحولات فکری - فرهنگی غرب و جهان اسلام شود؛ در حالی که سیاست اصلی شوروی در این زمینه، به جلوگیری از نفوذ این تحولات و جریان‌ها در میان مردم تعلق گرفته بود. بنابراین، تغییرات بعدی در جهت قطع این ارتباط، در سال ۱۹۳۰، اتفاق افتاد. در این سال الفبای کریل جانشین الفبای لاتین شد.<sup>۲</sup> با سوزاندن کتاب‌های اسلامی و تدابیر شدید امنیتی همراه بود و جرأت هرگونه مخالفت با این طرح را از مخالفان گرفته بود. بر این اساس، کمیسیون ویژه خط کریل تشکیل یافت و جمع‌آوری و سوزاندن کتاب‌هایی که به خط اسلامی نوشته شده بود و مجازات مخالفان، در دستور قرار گرفت. کمیته ویژه آذربایجان حتی به یک کلمه اجازه چاپ با الفبای اسلامی نمی‌دادند. الفبای اسلامی «کهنه» نامیده شد. خط اسلامی را که از راست به چپ نوشته می‌شد، خط بر عکس نامیدند.<sup>۳</sup>

تصویب این طرح، به اندازه‌ای برای کمونیست‌ها اهمیت داشت که لنین آن را مهم‌تر از انقلاب اکتبر روسیه ارزیابی نمود.<sup>۴</sup>

تغییر خط و الفبا تا حدودی آثار خود را بخشید و اگر کمونیست‌های شوروی هم‌چنان با قدرت پیش می‌رفتند، احتمال استحاله کامل فرهنگی آذربایجان در فرهنگ روسی در دراز مدت، دور از انتظار نبود؛ چنان‌که رهبر حزب اسلامی آذربایجان حاج علی اکرام علی‌اف می‌گوید:

من تا چهل سالگی نمی‌توانستم قرآن را از روی متن اصلی بخوانم. قرآن را با تلفظ آن به الفبای کریل می‌خواندم.<sup>۵</sup>

۱. واحدی، پیشین، ص ۶۵

۲. همان.

۳. جباری، پیشین، ص ۲۲۹.

۴. همان، ص ۲۲۸.

۵. شهیدی ارسباران، پیشین، ص ۶۳

وقتی تأثیر این سیاست بر رهبر یک حزب اسلام‌گرا در قبال مهم‌ترین متن دینی اسلام این چنین باشد، احتمال موفقیت آن بر توده‌ها و بر فرهنگ دینی آنان بسیار قوی‌تر و موفقانه‌تر خواهد بود. اگر تاریخ اجازه جولان بیشتری به کمونیست‌ها می‌داد، استحالۀ کامل فرهنگی مسلمانان شوروی در درون اندیشه و فرهنگ کمونیستی، کاملاً قابل پیش‌بینی بود.

بر اساس چنین پی‌آمدها و نتایج مخرب آن بر حوزه فرهنگ دینی بود که کمونیست‌ها سیاست تغییر خط و الفبا را در پیش گرفتند؛ سیاستی که به بهانه برداشتن موانع رشد و توسعه، اما در واقع در جهت قطع ارتباط مردم با پیشینه تاریخی، فرهنگی، ادبی و... و در یک کلام در جهت فرهنگ‌زدایی طرح‌ریزی و اجرا شده بود. این تغییر، نه تنها توسعه علمی - ادبی و تکامل اندیشه‌ورزی را به بار نیاورد، بلکه تا حدودی سیر قهقراییی را باعث گردید؛ زیرا پس از این دیگ‌گونی، هیچ شخصیت مشهور جهانی از لحاظ علمی، ادبی، فرهنگی و...، همپای کسانی هم‌چون بهمنیار، خاقانی و یا نظامی در آذربایجان ظهور نکرد و پرورش نیافت.

از سوی دیگر، زبان آذری نیز از سیاست‌های مخرب شوروی‌ها در امان نماند و دست‌خوش افت و تغییرات گشت و نزدیک بود که موقعیت ممتاز خود را در میان مردم نیز از دست بدهد، هرچند تغییرات آن به اندازه دیگ‌گونی خط فراگیر نبود؛ در حالی که براساس ماده ۱۹۵ قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی، هیچ زبانی رسمیت نداشت. همه زبان‌های مردم تحت قلمرو این اتحادیه در مقابل قانون، برابر تعریف شده بود.<sup>۱</sup> اما در عمل همه چیز متفاوت بود. زبان روسی با توجه به پشتوانه قدرت‌مند سیاسی و غیره که داشت، بر آن بود که جانشین زبان‌های اصلی اقوام ساکن در اتحادیه شود. به همین دلیل، در سال ۱۹۳۸، به عنوان یکی از درس‌های اجباری مدارس تعیین شد. هم‌چنین زبان نیروهای مسلح، زبان تحقیقات علمی و صنعتی پیشرفته و زبان مشترک اداری و ارتباطی بین جمهوری‌ها گردید و در بسیاری از مناطق و در بیشتر رشته‌های دانشگاهی، دروس فقط به این زبان (روسی) عرضه می‌شد.<sup>۲</sup>

مهم‌ترین نشریات آذربایجان نیز مثل هفته‌نامه *آزدلیک* با شمارگان ۱۴۲۰۰۰، هفته‌نامه *آذربایجان* با شمارگان ۱۲۴۰۰۰، روزنامه *ویشکا*، ماه‌نامه *کمونیست آذربایجان* با

۱. آکینر، پیشین ص ۴۰.

۲. همان.

شمارگان ۳۰۰۰۰، ماهنامه دیالوگ، ماهنامه خیاطی، مجله ادبیات آذربایجان و اقتصاد و نفت آذربایجان، به دو زبان آذری و روسی به چاپ می‌رسیدند و بعضی از اینها فقط به زبان روسی منتشر می‌گردید.<sup>۱</sup>

زبان روسی در امور قضایی، اداری و سایر امور رسمی، در کنار زبان بومی مردم آذربایجان به کار گرفته می‌شد.<sup>۲</sup>

بنابراین زبان روسی، عرصه‌ها را بر زبان آذری تنگ کرد و حتی بعضی مراکز علمی و فرهنگی را منحصراً در اختیار داشت؛ ضمن این‌که در موارد دیگر نیز پا به پای زبان آذری پیش می‌رفت و در میان مردم نفوذ می‌کرد.

براساس آمار ۱۹۸۸ میلادی ۳٪ مردم آذربایجان به زبان روسی تکلم می‌کردند. ۳۸٪ از مردم آذربایجان که زبان مادری‌شان آذری بود، زبان روسی را به صورت روان تکلم می‌کردند. ارمنی‌های آذربایجان نیز زبان روسی را به منزله زبان دوم برگزیده بودند.<sup>۳</sup> حتی امروزه نیز زبان روسی، در عرصه مطبوعات جایگاه ویژه‌ای دارد. روزنامه‌های پر شمارگان به زبان‌هایی، از جمله زبان روسی به نشر می‌رسد.

در نتیجه، تغییر خط و الفبای اصلی اقوام اتحادیه شوروی به خط و الفبای روسی، یکی از سیاست‌های اصلی سرمداران کمونیست شوروی بود که به دلیل هویت زدایی و از خود بیگانگی تاریخی - فرهنگی به اجرا گذاشته شد. هم‌چنین تغییرات زبانی نیز از همین سیاست پیروی می‌کرد.

##### ۵. ترویج اندیشه مارکسیستی

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ که طی آن کمونیست‌ها زمام امور روسیه را بر عهده گرفتند، بر مبنای اندیشه مارکس و تفکر مارکسیستی شکل گرفته بود. بر این اساس، زمامداران جدید مسکو که میراث‌داران امپراتوری روسیه به حساب می‌آمدند، تلاش نمودند که این اندیشه را در سراسر قلمرو حاکمیتشان بسط و نشر دهند. مبارزات سخت آنها با اسلام و اندیشه‌های اسلامی نیز در همین جهت بود که با تضعیف فرهنگ و اندیشه اسلامی تفکر مارکسیستی را جانشین آن سازند. اصولاً اجرای سیاست‌های آموزشی، تغییر خط و الفبا،

۱. اسدی کیا، پیشین، صص ۵۰-۵۱.

۲. آکینر، پیشین، ص ۱۴۵.

۳. واحدی، پیشین، ص ۶۴.

گسترش رسانه و... ترویج اندیشه مارکسیستی را پی می‌گرفت که از طریق نابودی اسلام عبور می‌کرد.

طبق مقررات نظام آموزش عالی شوروی، به مدت دو سال هفته‌ای چند ساعت برای دانشجویان درس الحاد می‌گفتند؛ یعنی درس‌هایی از مکتب کمونیسم و اندیشه‌های الحادی مارکس، انگلس و لنین ... در هر دانش‌کده و دانش‌سرای، شعبه و بخشی، متصدی ترویج و تعلیم این مکتب مادی بود.<sup>۱</sup>

علاوه بر تدریس افکار الحادی، کمونیست‌ها آثار فراوانی از سردمداران مارکسیست را حتی به زبان‌های قومی منتشر کردند و به چاپ رساندند تا مورد استفاده عموم قرار گرفته، آثار فراگیرتری داشته باشد. آثار مارکس، لنین، انگلس و برژنف، حتی به زبان‌هایی که دارای انتشارات بسیار محدودی است به حد کافی چاپ می‌شد، اما کمبود کتاب‌های فنی و تخصصی به زبان‌های قومی آشکارا مشهود بود.<sup>۲</sup>

کمونیست‌ها به این هم اکتفا نکرده، برای دستیابی به اهداف ایدئولوژیکیشان، مبارزات سختی را علیه اسلام و افکار توحیدی آن که مانع جدی در برابر پذیرش ماده‌گرایی توسط مردم به حساب می‌آمد، به راه انداختند و به چاپ آثار ضد اسلامی به زبان‌های اقوام مسلمان اقدام نمودند، تا با نشانه رفتن اعتبار اسلام، زمینه‌های گرایش مردم به مکتب الحادی مارکس را فراهم نمایند:

در فاصله سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۷ تقریباً هزار کتاب ضد اسلامی به زبان‌های ملل مسلمان شوروی انتشار یافت که این تعداد، غیر از کتاب‌هایی است که به زبان روسی در این زمینه انتشار یافته است.<sup>۳</sup>

این در صورتی است که سیاست اصلی زمامداران شوروی بر حذف زبان‌های محلی و جانشین ساختن زبان روسی تعلق گرفته بود. اما رسیدن به هدف مهم‌تر، یعنی استیلای مکتب مارکسیستی بر سراسر قلمرو امپراتوری شوروی، این تخلفات را قابل فهم می‌کند. نیاپستی از یاد برد که این حذف و جایگزینی نیز اهداف ایدئولوژیک و فرهنگی داشت و در صدد حاکمیت کمونیسم بود.

هم‌چنین؛ کمونیست‌ها از چاپ و نشر کتب دینی جلوگیری می‌کردند تا تبلیغ تفکر

۱. شهیدی ارسباران، پیشین، ص ۵۵.

۲. همان، ص ۴۰.

۳. آکینر، پیشین، ص ۵۲.

توحیدی، عرصه را بر گسترش باورهای الحادی تنگ نکند و اندیشه مارکسیستی با مقاومت کمتری مواجه گردد و مورد پذیرش آحاد جامعه واقع شود.

### پی‌آمدهای مثبت سلطه شوروی

جمهوری آذربایجان سابقه نسبتاً درخشانی در عرصه ادبی، علمی، فرهنگی و نشر مطبوعات دارد و در گذشته، شخصیت‌های شناخته شده‌ای به جهان علم و ادب تقدیم داشته است. اما پس از سقوط دولت مستقل آذربایجان و سلطه شوروی، رشد سریع و جهش‌وار را در این عرصه‌ها مشاهده می‌کنیم. در نگاه نخست و به دلیل انگیزه‌های کمونیستی کارگزاران آنها، ممکن است این ترقی و تحول به چشم نیاید و یا منفی جلوه کند. اما نباید فراموش کرد که مبارزه با بی‌سوادی و تأسیس مدارس، به‌خودی خود یک ارزش و پدیده مثبت بوده تکامل اجتماعی را به‌دنبال می‌آورد. رشد مطبوعات و رسانه‌ها هم افزاینده آگاهی اجتماعی و هم مطلوب است. البته طبیعی است که این نهادها، اهداف و سیاست‌های فرهنگی خاصی را دنبال می‌کردند، اما قطعاً مطالب مفید و مورد استفاده هم در آنها یافت می‌شد، بر خلاف پی‌آمدهای هم‌چون قتل نخبگان دینی، محو اماکن مذهبی و... پس مثبت نامیدن این پی‌آمدها با توجه به این نوع نگاه است و گرنه انگیزه‌های ایدئولوژیک این اقدامات که در ورای آن قرار داشت، هویداست.

اما این انگیزه‌ها نباید موجب نادیده گرفتن کارکردهای مثبت رسانه‌ها و آموزشگاه‌ها و نقش آنها در ارتقای سطح فکری، علمی و آگاهی جامعه شود. بر این اساس، می‌توانیم توسعه آنها را اقدامی مثبت یاد کنیم. البته همان‌گونه که قبلاً هم اشاره شد، واضح است که این نهادها کارکرد منفی را در قبال فرهنگ دینی مردم داشتند، ولی تقسیمات فعلی بر اساس دست‌آوردهای مثبت آن شکل گرفته است. بر اساس این گفته‌ها، آشکار می‌گردد که پی‌آمدهای مثبت سلطه شوروی بر آذربایجان در حوزه آموزش و رسانه‌ها و نهادهای مربوط به آنها قابل بررسی است که در دویخش ارائه می‌شود:

#### ۱. گسترش آموزش و توسعه نهادهای آموزشی - پژوهشی

۲۰۳ آموزش در جمهوری آذربایجان در دوره سلطه شوروی «رشد کمی» فوق‌العاده‌ای داشت. در این دوران، تلاش‌های زیادی برای ریشه‌کن کردن بی‌سوادی صورت گرفت و آموزش برای تمام افراد در سن تحصیل اجباری گردید. آموزش‌های شبانه‌روزی، تحصیل غیرحضوری، کودکان، مهدکودک، مراکز آموزشی - پژوهشی، انستیتوها، مراکز تعلیم

حرفه و شغل و... در این کشور دایر شدند و به فعالیت‌های آموزشی پرداختند. هم‌چنین آموزش در همه سطوح رایگان بود و در اختیار همگان قرار داشت.<sup>۱</sup> در نتیجه این اقدامات، سطح سواد (خواندن و نوشتن) در این کشور در سال ۱۹۷۰، میان افراد بین ۹ تا ۴۹ سال به صد در صد رسید.<sup>۲</sup> و یا سطح سوادآموزی از ۸/۱٪ در سال ۱۹۲۶ به بیش از ۹۹٪ در سال ۱۹۷۰ افزایش یافت.<sup>۳</sup>

نظام شوروی برای رسیدن به این سطح از سواد مدارس، دانشگاه‌ها، انتشارات و کتابخانه‌های زیادی را به وجود آورد. در سال ۱۹۲۰ میلادی، آکادمی دولتی نفت جمهوری آذربایجان در باکو تأسیس شد که دارای هشت دانشکده از جمله دانشکده نفت و معدن، شیمی و انرژی می‌باشد. در سال ۱۹۲۵ آکادمی دولتی کشاورزی و امور روستایی جمهوری آذربایجان در باکو تأسیس شد. در سال ۱۹۳۰ دانشگاه دولتی علوم پزشکی جمهوری آذربایجان (نریمان نریمانف)، در باکو به وجود آمد که دارای پنج دانشکده از جمله پزشکی، اطفال، بهداشت حرفه‌ای، دندان پزشکی و داروسازی می‌باشد. در سال ۱۹۳۵ انستیتو دولتی اقتصاد در باکو تأسیس شد که دارای پنج دانشکده از جمله اقتصاد و مدیریت تولید، حساب‌داری، بازرگانی و طرح‌های اقتصادی می‌باشد.<sup>۴</sup>

هم‌چنین؛ در سال ۱۹۴۵ آکادمی علوم آذربایجان تأسیس شد.<sup>۵</sup> این آکادمی دارای سی مؤسسه تحقیقاتی با ۴۲۹۶ پژوهش‌گر بود.<sup>۶</sup> در سال ۱۹۵۰ دانشگاه فنی جمهوری آذربایجان در باکو تأسیس شد که هشت دانشکده از جمله ماشین‌سازی، الکترونیک، حمل و نقل و کامپیوتر داشت. در سال ۱۹۶۷ شاخه‌ای از دانشگاه تربیت مدرس آذربایجان در نخجوان احداث شد که در سه رشته ریاضی، ادبیات و تاریخ به صورت غیر حضوری فعالیت می‌کرد، اما پنج سال بعد مستقل شد و حالت رسمی به خود گرفت. در سال ۱۹۷۵ دانشگاه مهندسی راه و ساختمان، در باکو تأسیس شد که دارای هشت دانشکده از جمله راه و ساختمان، معماری، آبیاری و بهداشت محیط بود. در مجموع تا سال ۱۹۸۸ در

۱. اسدی کیا، پیشین، ص ۲۲ و ۴۰.

۲. واحدی، پیشین، ص ۳۶۵.

۳. جباری، پیشین، ص ۲۰۷.

۴. واحدی، پیشین، ص ۳۶۷.

۵. اسدی کیا، پیشین، ص ۴۳.

۶. تدوین گیتاشناسی، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و جمهوری‌های بالتیک، ص ۱۴۷، تهران: سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی، ۱۳۷۴ ش.



هیجده مؤسسه آموزش عالی، بیش از ۱۱۰ هزار دانشجو مشغول به تحصیل بودند که بزرگ‌ترین آن مؤسسه شیمی و پتروشیمی آذربایجان بود که در شش دانشکده آن، بیش از شانزده هزار دانشجو وجود داشتند.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر، شوروی مدارس سنتی و مذهبی را که با اهداف آنان در تعارض بود، تعطیل کرد اما مدارس کلاسیک را توسعه بخشید. در این دوره فقط در نخجوان ۲۰۶ واحد آموزشی وجود داشت که ۶۱ هزار محصل را پذیرایی می‌کرد.<sup>۲</sup> ولی در کل آذربایجان تعداد مدارس «در سال ۱۹۷۹-۱۹۸۰ (به غیر از مدارس استثنایی از جمله مدارس ناشنویان) ۴۳۰۰ واحد بود و تعداد دانش‌آموزان [در آن] یک میلیون و ششصد هزار نفر بودند».<sup>۳</sup>

چاپ کتاب و تأسیس کتابخانه نیز در این دوره به‌نحو چشم‌گیری توسعه یافت. در سال ۱۹۲۲ کتابخانه دولتی آخوندوف در باکو تأسیس شد. در ۱۹۲۵ کتابخانه آکادمی علم آذربایجان تأسیس گردید. هم‌چنین در سال ۱۹۲۴ مؤسسه آذرنشر در باکو به وجود آمد. در سال ۱۹۶۵ مؤسسه دائرةالمعارف آذربایجان تأسیس گردید. آذگوزیات، مؤسسه مطبوعات دولتی آذربایجان نیز در سال ۱۹۲۴ تأسیس شد. این مؤسسات، کتاب‌های متنوعی را با شمارگان خیلی زیاد به چاپ می‌رساندند. برای مثال، «در سال ۱۹۶۸ مؤسسات آذرنشر، ماریف و گیاتریکا ۱۲۶۵ کتاب و جزوه شامل ۸۵۷ مورد به زبان آذری در مجموع با تیراژ ۱۰۷۲۴۰۰۰ چاپ کردند».<sup>۴</sup>

در نتیجه این تولید و تأسیس‌ها بود که در سال ۱۹۹۰ در ۴۶۰۵ کتابخانه عمومی آذربایجان، ۴۲ میلیون نسخه کتاب وجود داشت؛ این در حالی که کل کتاب‌های چاپ شده همراه مجلات منتشره در سال ۱۹۲۰ به ۱۳۷۰۰۰ جلد می‌رسید.<sup>۵</sup>

## ۲. راه‌اندازی رسانه‌های صوتی و تصویری

رسانه‌ها (اعم از نوشتاری، صوتی و یا تصویری) نیز در دوره سلطه شوروی فعالیت

۱. اسدی‌کیا، پیشین، ص ۴۲ و ۲۲

۲. همان، ص ۲۱.

۳. آکینر، پیشین، ص ۱۴۴؛ بحث بیشتر در مورد دانشگاه‌ها، اسامی، اهداف، تغییرات، شعبه‌ها و... آن را در کتاب *بررسی کشورشناسی جمهوری آذربایجان* صفحات ۴۰۰ تا ۴۴۴ دنبال کنید.

۴. اسدی‌کیا، پیشین، ص ۵۳ و ۲۷؛ اطلاعات بیشتر در مورد کتابخانه‌ها و انتشارات بیشتر را در کتاب *برآورد استراتژیک آذربایجان* دنبال کنید. صفحات ۳۰۰، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲، ۱۴۰۳، ۱۴۰۴، ۱۴۰۵، ۱۴۰۶، ۱۴۰۷، ۱۴۰۸، ۱۴۰۹، ۱۴۱۰، ۱۴۱۱، ۱۴۱۲، ۱۴۱۳، ۱۴۱۴، ۱۴۱۵، ۱۴۱۶، ۱۴۱۷، ۱۴۱۸، ۱۴۱۹، ۱۴۲۰، ۱۴۲۱، ۱۴۲۲، ۱۴۲۳، ۱۴۲۴، ۱۴۲۵، ۱۴۲۶، ۱۴۲۷، ۱۴۲۸، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۳۲، ۱۴۳۳، ۱۴۳۴، ۱۴۳۵، ۱۴۳۶، ۱۴۳۷، ۱۴۳۸، ۱۴۳۹، ۱۴۴۰، ۱۴۴۱، ۱۴۴۲، ۱۴۴۳، ۱۴۴۴، ۱۴۴۵، ۱۴۴۶، ۱۴۴۷، ۱۴۴۸، ۱۴۴۹، ۱۴۵۰، ۱۴۵۱، ۱۴۵۲، ۱۴۵۳، ۱۴۵۴، ۱۴۵۵، ۱۴۵۶، ۱۴۵۷، ۱۴۵۸، ۱۴۵۹، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱، ۱۴۶۲، ۱۴۶۳، ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۶۶، ۱۴۶۷، ۱۴۶۸، ۱۴۶۹، ۱۴۷۰، ۱۴۷۱، ۱۴۷۲، ۱۴۷۳، ۱۴۷۴، ۱۴۷۵، ۱۴۷۶، ۱۴۷۷، ۱۴۷۸، ۱۴۷۹، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۶، ۱۴۸۷، ۱۴۸۸، ۱۴۸۹، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۴۹۲، ۱۴۹۳، ۱۴۹۴، ۱۴۹۵، ۱۴۹۶، ۱۴۹۷، ۱۴۹۸، ۱۴۹۹، ۱۵۰۰، ۱۵۰۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۴، ۱۵۰۵، ۱۵۰۶، ۱۵۰۷، ۱۵۰۸، ۱۵۰۹، ۱۵۱۰، ۱۵۱۱، ۱۵۱۲، ۱۵۱۳، ۱۵۱۴، ۱۵۱۵، ۱۵۱۶، ۱۵۱۷، ۱۵۱۸، ۱۵۱۹، ۱۵۲۰، ۱۵۲۱، ۱۵۲۲، ۱۵۲۳، ۱۵۲۴، ۱۵۲۵، ۱۵۲۶، ۱۵۲۷، ۱۵۲۸، ۱۵۲۹، ۱۵۳۰، ۱۵۳۱، ۱۵۳۲، ۱۵۳۳، ۱۵۳۴، ۱۵۳۵، ۱۵۳۶، ۱۵۳۷، ۱۵۳۸، ۱۵۳۹، ۱۵۴۰، ۱۵۴۱، ۱۵۴۲، ۱۵۴۳، ۱۵۴۴، ۱۵۴۵، ۱۵۴۶، ۱۵۴۷، ۱۵۴۸، ۱۵۴۹، ۱۵۵۰، ۱۵۵۱، ۱۵۵۲،

چشم‌گیری در آذربایجان داشته، روند روبه رشد را طی نمود. در ادامه نیز مثل دانشگاه‌ها به ذکر چند نمونه از آن بسنده می‌کنیم.

در این دوره هفته‌نامه‌های *آزادلیک* و *آذربایجان*، روزنامه‌های *ویشکا* و *آذربایجان*، ماه‌نامه *کمونیسست*، *آذربایجان*، *دیالوگ*، *خیاتی* و مجله‌های *ادبیات آذربایجان*، *اقتصاد* و *نفت* و مجله *نفت آذربایجان* انتشار می‌یافتند. از آنجایی که رسانه‌های کتبی سابقه‌ای نسبتاً طولانی در آذربایجان دارد، به همین موارد بسنده می‌شود با این که این نوع از رسانه نیز در این دوره گسترش زیادی یافتند.<sup>۱</sup>

اما موضوع جدیدی در عرصه رسانه که در این دوره ظهور یافت، رسانه‌های صوتی و تصویری بود. این رسانه‌ها بر خلاف رسانه‌های نوشتاری، سابقه حضور در آذربایجان نداشتند. برای مثال، کانال یک رادیو آذربایجان در سال ۱۹۲۶ شروع به فعالیت کرد و در هشت بخش برنامه پخش می‌کرد.<sup>۲</sup> در سال ۱۹۳۱ رادیو نخجوان شروع به فعالیت نمود و در سال ۱۹۶۴ برای نخستین بار، رادیو آراز روی موج رفت. این رادیو از ساعت ۷ تا ۲۳ به فعالیت مشغول بود. هم‌چنین کانال یک تلویزیون آذربایجان در سال ۱۹۵۴ فعالیتش را آغاز کرد. کانال دو تلویزیون آذربایجان پس از آن به فعالیت مشغول شد و از ساعت ۱۸ تا ۲۰ برنامه پخش می‌کرد. در سال ۱۹۶۵ تلویزیون نخجوان نیز فعال شد.<sup>۳</sup> در مجموع، پی‌آمدهای فرهنگی سلطه روسیه شوروی در عرصه آموزش و رسانه، علی‌رغم اهداف و انگیزه‌هایی که از توسعه این امور داشتند، مثبت ارزیابی می‌شود.

## نتیجه

جمهوری آذربایجان، پیشینه فرهنگی درخشانی داشته و مردان مشهوری را در عرصه علم و ادب به جهانیان عرضه کرده است. در قرن هیجده و نوزده که تحولات فکری - اجتماعی غرب به جهان اسلام نیز راه یافت، این جمهوری به دلیل مستعمره بودن روسیه تزاری و نزدیکی جغرافیایی با اروپا، از این تحولات متأثر شد و جریان‌های اصلاحی، ناسیونالیسم و مارکسیسم در این کشور ظهور یافتند و هر کدام از اینها نشریات مستقلی را راه اندازی کردند.

۱. اسدی کیا، پیشین، ص ۵۰-۵۱.

۲. واحدی، پیشین، ص ۳۵۶-۳۵۸.

۳. همان، و اسدی کیا، پیشین، ص ۲۲.

در سال ۱۹۲۰، کمونیست‌های آذربایجان با کمک ارتش سرخ شوروی، حکومت را در اختیار گرفتند. از این سال به بعد تا سال ۱۹۹۱، آذربایجان زیر سلطه روسیه شوروی قرار گرفت.

نظام شوروی سیاست دین‌زدایی را در پیش گرفت، علما و نخبگان دینی را حذف کرد؛ مراکز دینی را یا محو نمود یا به تعطیلی کشاند و یا کاربری آن را تغییر داد، اختناق شدید مذهبی را حاکم نمود و با آموزه‌های دینی مبارزه کرد؛ خط عربی را به لاتین و سپس به روسی تبدیل کرد و اندیشه‌های مارکسیستی را ترویج نمود. در آغاز آموزش اسلامی ضعیف شد و مردم تحت تأثیر فرهنگ روسی، به ظواهر اسلامی اهمیت نمی‌دادند.

علاوه بر این موارد منفی، نظام شوروی دو پی‌آمد مثبت هم داشت، هرچند انگیزه‌های آن مضر فرهنگ دینی مردم آذربایجان بود. یکی از این پی‌آمدها گسترش آموزش و توسعه نهادهای آموزشی - پژوهشی بود و دیگری راه اندازی رسانه‌های صوتی و تصویری.



## فهرست منابع

۱. آرمارتیوز، جان، *ظهور و سقوط شوروی*، فرید جواهر کلام، تهران: ققنوس، ۱۳۸۳.
۲. آصف، محمدحسن، *شیعیان جمهوری آذربایجان*، تهران: اداره کل اطلاع رسانی مجمع جهانی اهل بیت، ۱۳۸۰.
۳. آکینر، شیرین، *اقوام مسلمان اتحاد شوروی*، علی خزاعی، مشهد: استان قدس رضوی، ۱۳۶۶.
۴. امیر احمدیان، بهرام، *بررسی کشورشناسی جمهوری آذربایجان*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۲.
۵. اسعدی مرتضی، *دائرةالمعارف تشیع*، ج ۱، زیر نظر حاج صدر حاج سید جوادی و دیگران، تهران: شهیدسعید محبی، ۱۳۷۵.
۶. اسدی کیا، بهناز، *جمهوری آذربایجان*، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
۷. جباری، ولی، *شیعیان جمهوری آذربایجان*، قم: انتشارات شیعه شناسی، ۱۳۸۹.
۸. جعفری عباس، *گیتاشناسی نوین کشورها*، تهران: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، چاپ دوم، ۱۳۸۴.
۹. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، ج ۱۱، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه چاپ دوازدهم، ۱۳۷۷.
۱۰. شهیدی ارسباران، عبدالحسین، *خاطرات حاج علی اکرام علی اف*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۱. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۴.
۱۲. عنایت، رضا، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۳. کولایی، الهه، *سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه*، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶.
۱۴. کاشفی، محمدرضا، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴.
۱۵. گیتاشناسی، کشورهای مستقل مشترک المنافع و جمهوری‌های بالتیک، تهران: سازمان جغرافیایی و کار توگرافی، ۱۳۷۴.
۱۶. واحدی، الیاس، *برآورد استراتژیک آذربایجان*، ج ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین الملل ابرار معاصر، ۱۳۸۲.